

حقوق سه معنی دارد؛ اول جمع حق هست که در ادبیات انگلیسی ترجمه کلمه rights هست هر دو حق دارد در اینکابلت برکت کند حق دارد معادله کند. هر فرد از مؤسسان از حقوق برخوردار است در معنی دوم مجموع قوانین و مقررات هست. مثلاً منظور از حقوق مدنی، قانون مدنی است که در انگلیسی مترادف عبارت است از law است.

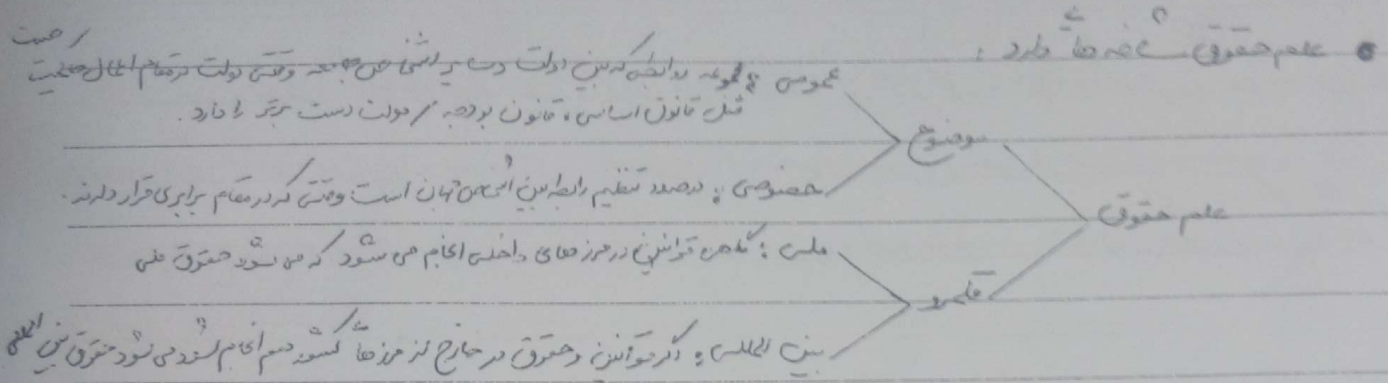
در معنی سوم دانش حقوق داریم که به معنی فهم قوانین و مقررات و تفسیر آن، فلسفه آن، تاریخ آن و کاربرد آن در جامعه است برای عبارت دانش حقوق هم لفظ law استفاده می شود. آن چیزی که ما می توانیم بگوییم برای آن کتب می نویسیم معنای سوم آن است. تعریف دقیق در آخری از دانش اجتماعی که به بررسی استدلالی و روشی ضد مقررات حکم بر دولت پرداخته و چگونگی پیوستن و سایر کلمات و تفسیر آن با مورد اجرا قرار می دهد.

علم حقوق با سایر دانش ها ارتباط دارد با روان شناسی، اقتصاد، جامعه شناسی، حتی با علم آلود هم ارتباط برقرار می کند. هم حقوق از تاریخ استفاده می کند و هم تاریخ از حقوق علم حقوق واقفان خوبی از علم استفاده می کنند؟

۱- در وضع قاعده حقوقی؛ حقوق دان برای رسیدن به قاعده حقوقی از چند روش استفاده می کند؛ وضع قاعده حقوقی برای منطق و استدلال یا از طریق دانش استفاده می کند که آن طریقی است. مثلاً شخصی که صحبت می کند (۱۵- بیان) برای استفاده از مالیت باید یک منتقل دانسته باشد. این قانون یک حق اصلاحی است. اما مثلاً وقتی می گویم میزان تصانیف اخلاقی پیدا کرده، برای کاهش تصانیف چه باید بکنیم؟ این مقدار طبیعتاً توسط حقوق دانها هم اجتناب ناپذیر است پس اقتصاد دانها در اینجا به وضع قاعده حقوقی کمک می کنند. اقتصاد در اینجا به ناحت مالی مثل سهم الارث می تواند کمک کند یا ریخت هر چه.

تیم ۵۷ تا ۹۷ کتاب دکتر عرفانی





تاریخ این چهار مرحله، جدید است مشخص نیست

۱- حقوق عمومی داخلی: مسائل مربوط به حقوق داخل کشور است. قانون اساسی، اتحاد قانون قوه قضائیه، مجرم و مقصد و تعارضین مالیات، قوانین بودجه، قوانین مالیات از این دست هستند

۲- حقوق عمومی بین المللی: یک فرد دست برتر را دارد و در حوزه بین المللی مثل سازمانهای بین المللی، حقوق نژادستون ها (ملاحظات در بورسیات بین المللی)

۳- حقوق خصوصی داخلی: حقوقی که دولت بین اشخاص را در حوزه ملی بررسی می کند مثل قانون مدنی، قانون تجارت

۴- حقوق خصوصی بین المللی: حقوقی که دولت بین اشخاص را در حوزه بین المللی بررسی می کند. مثلاً وقتی می خواهیم با فرض در آلمان معامله کنیم باید از حقوق بین الملل استفاده کنیم یا مثلاً نژادستون های بین المللی

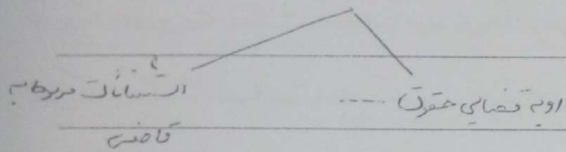
\* حقوق تجارت در دسترس است. حاکمیت قانون تجارت خاص خودش را دارد. اگر نخواهیم معاینه حقوق تجارت را استخراج کنیم باید به چه مراجعه کنیم؟ مثلاً بانک بین بانکی و یا در دست ما داریم باید چه کنیم؟

تاریخ صدور	قانون	موضوع	حکومت صادره
۱۳۱۱	قانون تجارت	مجموع نظام	قصداتی که قبلاً در
۱۳۴۵	قانون تجارت	مجموع نظام	موضوع معاینه
۱۳۴۵	قانون تجارت	مجموع نظام	حکومت صادره اند

۹- حقوق نوشته : قواعد حقوقی که مجری ترتیب در برنده وجود دارد.

نظام قضا

حقوق عرفی ( Common law ) : رویه قضا ( عرف ) و قانون و دکترین



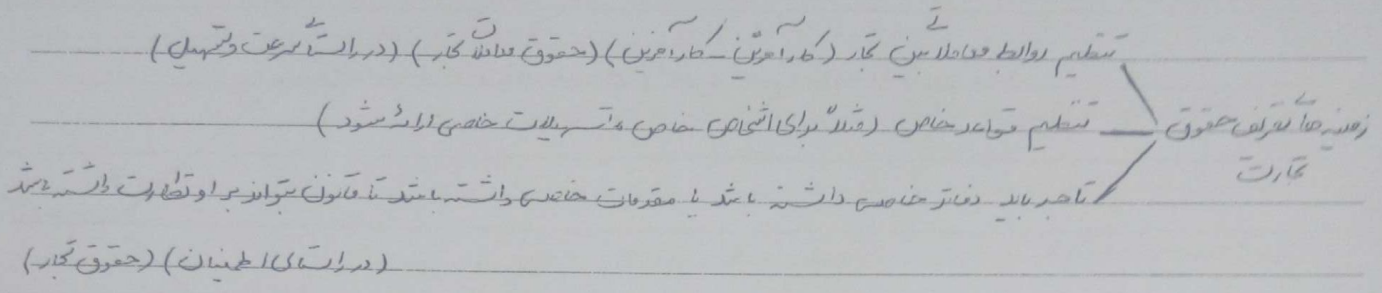
کتاب نوشته حقوق بر گرفته از حقوق اطلاق است و حقوق آنها common law است عجم آن برای ما جدید است. بنابراین باید اول آن را ترجمیم بعد قیاس با حقوق خودمان آنها را تفسیر دهیم

چهارم دوم ۹۵/۶/۲۹ \*

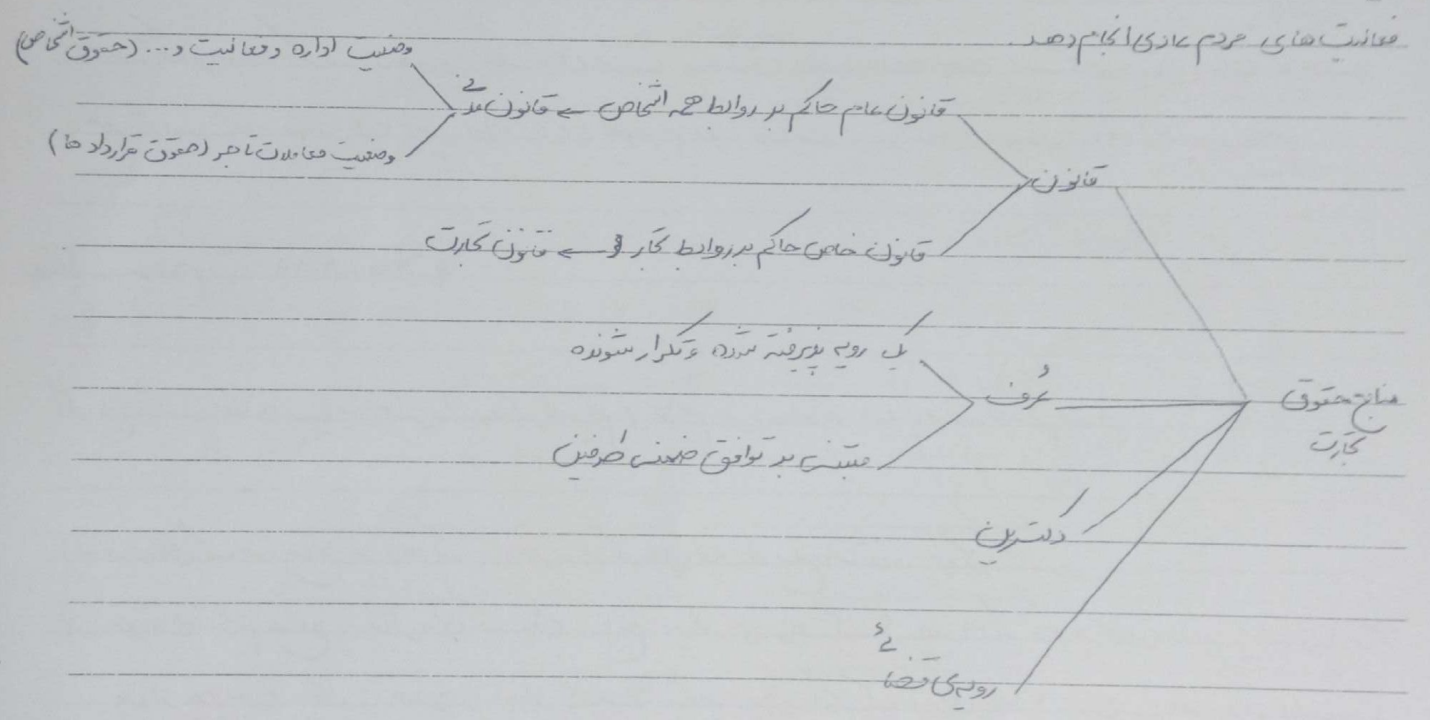
اگر تاریخ فعلیت های سیاسی شما را در نظر بگیریم می توانیم آن ها را به چند دسته تقسیم کنیم :

- ۱- دوره ای که در مورد منابع بود و همگس و هر تعداد که مایل بود از منابع استفاده می کرد
- ۲- دوره ای تراجم منابع ، بشری که کنترل منابع چکار می تواند کند؟ چیزی که برگزیده همان مالکیت خصوصی بود
- ۳- دوران زیرفتن مالکیت خصوصی افراد ۳ دسته شدند : برخی بار یک دیگری بالا ، خطرات استفاده از منابع را تحمل کردند و در عوض از منابع بیشتری استفاده کردند به آنها گفته می شد کارآفرین ، دسته دوم افراد ریسک گزیری بود که مایل نداشتند مالکیت ریسک گذاری انجام بدهند فعلاً این افراد زمین های خود را در اختیار افراد کارآفرین می گذاشتند و سود می گرفتند ، ضرورت زمان کارآفرینان گسترده شدند و نیاز پیدا کردند که حفاظت کنند در نتیجه معرفی بین آنها شکل گرفت ، حقوق تجارتی که می بینیم نتیجه همان عرف های آنهاست که با هدف سهولت روابط بین آنها و الهیای بین تجار و بازرگانان و ساده کردن روابط بین آنها شکل گرفته است. (دوره حقوق تجارت)





تعریف حقوق تجارت و قواعد امره ی حکم بر قواعد کار و وضعیت اداره و فعالیت تأخر  
 یعنی کسی که تأخر است باید یک سری قواعد را بپذیرد (حقوق کار) یعنی در هر خواصی که در خصوص باید فعالیت کند  
 فعالیت های مردم جاری انجام دهد



اگر در قانون تجارت و قانونی بود که خلاف قانون مدنی بود و حکم بر باید کنیم ؟ قانون مدنی قانون طی است که  
 همه را شامل می شود مگر شرایط خاص در قانون تجارت قانون های خاص حکم بر تجارت بر کسی می شود اگر  
 حکم در قانون تجارت وجود نداشته باشد باید قانون مدنی مراجعه می کنیم



بنابر قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ ما قانون دیگری هم داریم مثلاً :

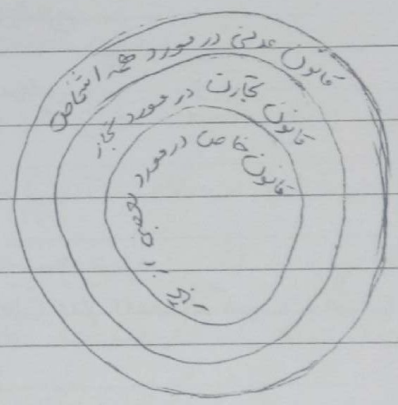
قانون اصلاح سنتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۵۷ } چهار هزار سند تمام  
قانون شرکت های تعاونی ۱۳۵۵

قانون اداره های تصفیه امور ورشکستگان ۱۳۱۸ } چهار هکتار  
قانون عملیات بندرهای بدون بار ۱۳۶۲

قانون بیمه ۱۳۵۵  
سه تجار بیمه

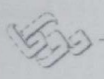
قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴

برخی مثل های بین کار عرف را بصورت بدون در آورده اند  
طبیعتاً این عمل الزام آور و قانون نیست اما دست خصیصه برای  
تخصیص سبزی بازمی شود

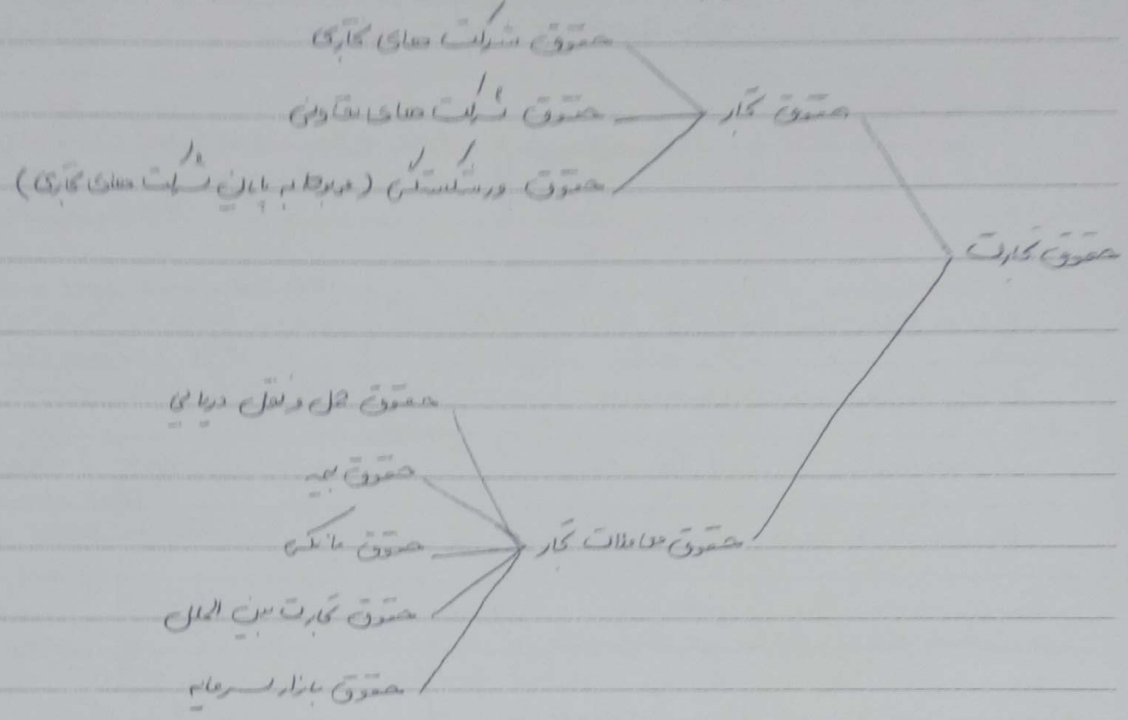


در نظام بازار آزاد هر کس آزاد است هر فعالیت را انجام دهد فکر اینکه دلیل قابل توجه برای محدودیت فعالیت  
وجود داشته باشد (اصل آزادی اراده)

در قانون تجارت هم همسطور است برای هر کس در قانون تجارت باید یک دلیل اقتصادی وجود داشته  
باشد



محدوده شمول قانون کار در تقسیم بندی قانون کار منعکس شده است. گفتیم



قانون کار در ایران خصوصیات دارد:

- ۱- وارداتی است و یعنی موافق قانون کار آمده اند قانون ناچگون را عنوان قانون کار در آورده اند
- ۲- تحت عنوان اعنقه صی کار
- ۳- دسزاری تفاوت بین قواعد آمره و تعلیه و جاه نظوری که در
- نظم اقتصادی و روابط آزاد اصل است در حقوق هم

اصل بر آزادی اراده اشخاص است. یعنی هرکس هر مفاد ای نخواهد انجام بدهد آزاد است. ابداً فقط تضم با قانون گذاران آزادی اراده را محدود کرده. احکامی که مانند محدودیت آزادی اراده است را قواعد آمره می گویند. اگر خلاف برخلاف قواعد آمره صورت بگیرد معامله باطل است. در مقابل قواعد آمره قواعد تعلیه داریم. بعضی قواعد تعلیه صرفاً پیشنهادی برای اطراف به توافق طرفین به سر می آید پس توافق خلاف آنها باطل

نیت (ادامه صفحه روی بروم)

دوازدهم قانون تجارت ۱۴۱۱ تأخیر را توجیه کرده به تدریج کاهش است که سبب آن در اصول خود با معاملات کاری

قرار دهد بگویند

ابتدائاً باید معاملات کاری را بنسبیم تا تأخیر را بنسبیم (ادامه صفحه بعد)

(ادامه خصوصیت سوم) شرایط اساسی صورت معامله، مآخذ، تاریخ، موضوع معامله، سفاف باشد و کسانی که این شروط رو نوشته باشد می آیند یک قرارداد را امضا می کنند. آیا این از منظر قانون گزار صحیح است؟ یا مثلاً وقتی شرایطی می کشد بر اساس ترتیبی قانونی مراحل طی می شود حال فرض کنید توافق کنند که ما این خواصیم دادخواست بدیم، آیا می توانست؟ قطعاً خیر. این قواعد آمده هستند. در مقابل قواعد تعلیلی را داریم که برای الطاق توافق طرفین است یعنی طرفین می توانند برخلاف قوانین یک توافق بکنند.

مثلاً برای خرید ماشین طبق قانون باید و خودرو در محل عقد قرارداد کوی داده شود. آیا اینها می توانند برخلاف قانون عمل کنند. بله چون به طرفین معرفی می رسد. همه قوانین با قانون آمده هستند چون نمی توانند برخلاف قانون ذکر شده کاری انجام بدهند طوری ذکر شده که نمی توانند کاری انجام بدهند.

باید بگویید نظام مشخصه برای تعیین بین آمده و تعلیلی نیست. این اشطال وارد است و خود حقوق دان ها هم به این امر معتقدند

نظام عمومی ملایم قبل از آنکه تیری نیست بنابراین برای هر معنایی باید تقدیم دیری کرد. عالم حقوق و اقتصاد متفاوت است. شما در اقتصاد جواب های قطعی دارید اما در حقوق استواری نیست. ممکن است هیچ کس به جواب مستحکم نرسد. بنابراین عوه استدلال ماکم است و هیچ کس نمی تواند آن ها را رد کند.

وقتی می گویم در نظام عمومی اختلاف هست، واقعاً همطور است. برخی نظام را مخالف اعتقاد می دانند و برخی توهم را خلاف نظام عمومی می دانند. قواعد حقوق کاری همگی آمده هستند.

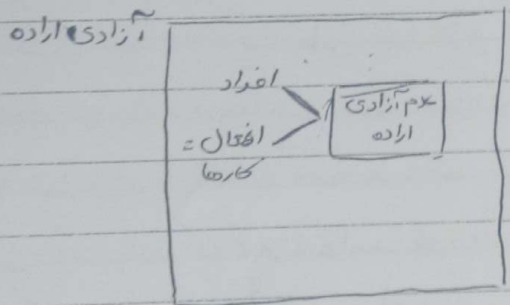


معاملات تجاری (دایره مسئول قانون تجارت)

۱- <sup>۵</sup>تصرف مخصوص: تاجر بعضی گفته اند ما صاحب را معرفی می کنیم و هرکس تا خبر بود باید از این  
قوانین تبعیت کند مثلاً هرکس حقوق بالای ۱۰۰ داشته باید از قانون تجارت تبعیت  
کند

۲- تصرف عمومی: معاملات تجاری بعضی گفته اند ما محدوده معاملات را مشخص می کنیم و هرکس  
این معاملات را انجام دهد در این صحنه قرار می گیرد  
مثلاً اگر کسی معاملات بالای ۱۰۰ داشته باید از حقوق تجارت پیروی کند  
یا هرگاه در یک کارخانه داری باید از قانون تجارت پیروی کند.

در قانون تجارت ایران از یک روشبرد دو دسته استفاده شده!  
حقوق ایران کمی بیج گفته است!



تاجران: کسانی که مشغول آخال اعمال تجاری باشند (ماده ۲) ← کارخانه و تأسیسات مربوط به حمل و نقل در

شمول قانون  
تجارت  
ایران

معاملات تجاری: هرکس معاملات بیرونی انجام دهد

هرکس خرید اموال مشغول به قصد فروش داشته باشد



در ماده ۲ قانون تجارت معاملات حاصل (بروفا) صحرا شده است

\* کسی که یکبار معامله تجاری انجام داده آنگاه محسوب نمی شود تا بعد کسی است که مستمرا معامله کار انجام دهد

مداخلات تجاری در قانون ۲ تجارت به شرح زیر می باشد

۱- خرید و تحصیل هر مال منقول به قصد خرید یا اجاره اعم از ایند تقصیری در آن انجام شده باشد یا خیر

۲- تصدی به عمل و نقل از راه خشکی آب و هوا به هر کوی که باشد

۳- ~~تسليم عملیات~~ <sup>دلالی</sup> تسليم عملیات با حق الاول کارگزار قابلیت

۴- تسليم و کار افاضت هر قسم کارخانه

۵- تصدی به عمل حراجی

۶- تصدی به هر قسم کارگاه عمومی

۷- هر قسم عملیات صرافیه یا بانک

۸- معاملات برواتری

۹- عملیات بخر و بگری و غیره

۱۰- تسلی سهامی و خرید و فروش تسلی و تسلی ارضی و غیره و خارج

اینجا همه معامله نیست ، کسانی که تجارت است مثل شماره ۱ و ۲

سین اطلاق معاملات تجاری به حرارتی معادلات اشاره است. سین گفته است که هم تا هر کسی است که فعالیت خود را به انواع ماده ۲ انجام می دهد.

مجموعه معادلات ماده ۲ را می توان در قالب ۵ عنوان تقسیم بندی کرد:

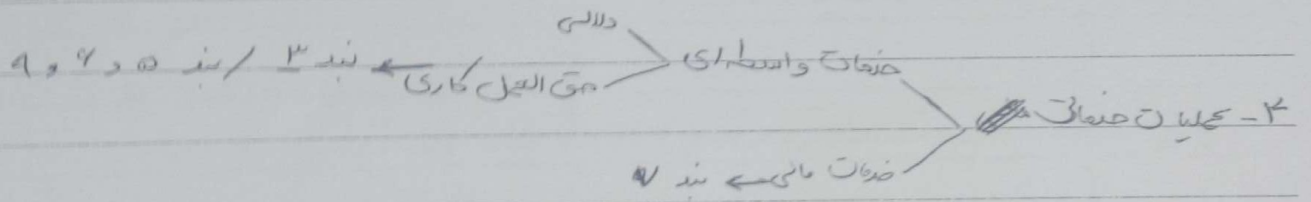
۱- معاملات بیرونی: بند ۱ از ماده ۲

۲- عملیات توزیعی: بند ۱ از ماده ۲ / بند ۲ از ماده ۲

که تهیه در ساندل ملزومات

خرید یا کسب مال مشغول به تصدیق و اجاره

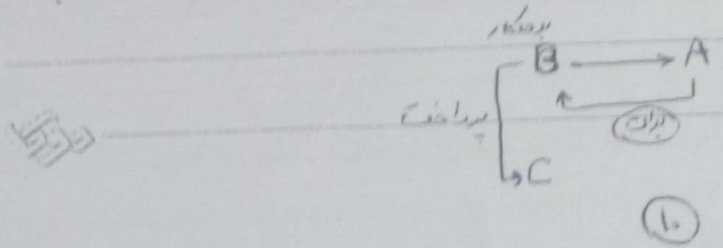
۳- عملیات تولیدی: بند ۱ / بند ۴



۴- عملیات نظریه کسبی: بند ۱ (بررسی نهایی چون در بند ۱ تا ماده ۲ توضیح داده شده)

اولین حوزه:

کسی که معاملات بیرونی را بعنوان لعل انجام دهد تا هر است. بران نوبت است که به سوب آن بدخص به دیگری دستور می دهد مبلغ مشخصی را در تالیکی تعیین یا به یا به رویت به شخص سومی تحویل دهد شخص اول را بران کسی، شخص دوم را بران کسیر و شخص سوم را دارند بران که تولید



سومین نحوه گشایش حساب ترازوی حساب :

حاصل  
اعمالی هست که منظور این کالا از تولید کسبه به حساب مصرف کننده انجام می شود. خرید یا ~~تولید~~  
مال منقول به عقد فروش یا اجاره → خرید یعنی ملک مال بی عرضی مطلق (بیع)

حاصل ← خرید کردن یا حقیقت گرفتن

مقابل

محل مقبول ← یعنی بدون گشایش و قابلیت جایگزینی داشته باشد، امثال خرید مقبول قابلیت جایگزینی ندارند (فقدان فرد)  
به عقد فروش و اجاره → یعنی اگر خودت کواصی استتفاه کنی و جکاری محسوب می شود <sup>گشایش</sup> <sup>جاری</sup>

نکته دوم : هر جا برای هدف از ترازوی این باشد که یک سری ملزومات را به دست مصرف کننده برساند و ظاهر است.

سومین نحوه عملیات تجاری تولیدی است :

مصادیق آن : ترازوی و بیگانه از این نوع قسم کارخانه و تولید کالا یا اجاره محسوب می شود.

( بین کارخانه داری و بیگانه ترازوی تفاوت وجود دارد در کارخانه داری یعنی تبدیل می شود به سینی دیگر اگر در تبدیل دخالت انسانی کم باشد یا از نیروی کار دیگران استفاده نمی شود کارخانه داری اما اگر از نیروی خودت استفاده نمی می شود بیگانه داری در کارخانه فرانس کارخانه دار و بیگانه داری تفاوت در بیگانه داری می شود بیگانه داری در کارخانه)

چهارمین نحوه :

راه کار ای : توسط دلال و حق العمل کار و یا عامل انجام می شود

عملیات خدماتی

کلیات اینها و بیگانه داری و بیگانه داری انجام می شود



اعتراف در باب عیانت و اذکار و مصدق آن در تجارت را بررسی می کنیم. کسی که عیانت و اذکار را انجام دهد تا در محسوب خواهد شد.

اولین مصداق عیانت و اذکار دلالی است که بر اساس ماده ۲۳۵ قانون تجارت دلالی عبارتست از اذکار کردن برای انجام معاملات در مقابل دریافت اجرت.

بنابراین دلال کسی است که برای دریافت اجرت وارد معامله می شود و طرفین را به هم معرفی می کند. بارزترین دلالان مشاورین املاک هستند که هیچ نقشی در معاملات ندارند فقط طرفین را بهم معرفی می کنند.

گرفتن معاملات دلالی ۱- دلال

۲- مقاضی پیدا کردن طرف دیگر معامله (آجیر)

دلال می تواند در تمام حوزه های تجاری مقاضی کند (ماده ۲۳۶)

یکی از مسئولیت های دلال اینست که طرفین معامله را به درستی بهم معرفی کند. نوعی اصطلاحاً شامل صحت امضای طرف معامله باشد. یعنی دلال نسبت به امضای آقای حسینی مسئول است یعنی اگر آقای حسینی کلاه برداری کند بای دلال که است! دلال باید جزئیات معامله را به درستی به طرفین منتقل کند؛ یعنی مثلاً "فلیح" یا "الح" تواند باشد. دادن ملک ع ۱۲ بفروشد.

یکی دیگر از مسئولیت های دلال، حفاظت و نگهداری طئه است که در اختیار او قرار داده می شود.

دلال اجرت خود را از آجر می گیرد.

دلال خود را مسئول انجام معامله نسبت به اجرت دلال می نامد معامله باید پرداخت شود.

بیان دیگری که در قانون تجارت در مورد ضمانت واریز شده است؛ حق العمل کاری است  
ماده ۳۵۷:

حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی حساب دیگری معامله کرده و در مقابل حق العمل دریافت می‌دارد.

دلیل خویش در مقابل طرف نیست و هیچ مسئولیتی برای انجام معامله بر عهده ندارد اما حق العمل کار خویش قرارداد می‌بندد مثلاً من به کسی می‌گویم برو فلان چیز را بخر حساب می‌کنم.

حق العمل کار در مقابل امر و نه در مقابل حق نمی‌گردد.

• مهم ترین مسئولیت آن در حق حق العمل کار است که اجرت او را پرداخت کند و چیزی که حق العمل کار کرده است را به او پرداخت کند (ماده ۳۳۸).

• وظایف حق العمل کار در مقابل آنراست که باید آنرا در جریان اتمامات خویش قرارداد دهد و همچنین در حدود دستورات آن عمل کند اگر در غیر این صورت عمل کند از حدود اختیارات کلمه کرده ← مستحق اجرت نخواهد بود.

در این فقط طرفین آن، هم معامله می‌کنند.

کارگران هوشیار می‌توانند به انجام معامله بپردازند.

اگر معامله ای اتفاق بیفتد مثلاً بر قیمت ۱۰۰۰ ریال به واسطه بی‌سواد است، حق العمل کاری؟ دقیقاً حق العمل کاری.



الریک فعالیت کاری ، اوصاف دلالی ، حق العمل کردن ، مثلا رسیدگرافی (سیدبها) کسی را مدیریت کردن (محلل است بهصورت مستقل داشته باشد یا غیره)

فصلیت و البصری

سومین نوع مخالفات انجام می دهد بحارست از عامل هست .

عمل کسی است که من نام و حساب کاری معامله می کند . در واقع عاملیت همان وکالت است . سه تفاوت با حق العمل کاری انست که حق العمل کار ، نام خودش کارت می کند اما عاملیت را نمایندگی از کسی دیگر

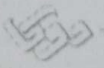
مثال بازرگانه کارگزاری های بیمه است وقتی با گزاره قرارداد می بندیم یعنی شرکت بیمه در صورت خسارت مسئول اتفاقات فواید بود

فقط در صورتی  
که در سند

فرموده فعالیت های خنثی مانند ماساژ ، ایاز کردن یا عنوان خدمات مالی ، انجمن های مالی ، تعمیر و روانی کارت نیست و در قانون کارت از بین خدمات مالی فعالیت های مالی و خدماتی و خدمات بهداشتی و غیره می آید است

نکته : اگر چه خدمات مالی را کارگزار تعریف کرده اما بازار مالی یا بازار اسمی یعنی چه ؟ بازار مالی هایی است که تبادل واقعی کالا و خدمات ملحق آنفاق می افتد در مقابل بازار واقعی ، بازار اسمی را داریم (بخش اسمی - بخش واقعی) بخش اسمی شامل گواهی هایی است که حاکم از مالکیت ، یا تعهد به انتقال مالکیت در بخش واقعی اعتماد است

در مقابل هر سینی خارجی یک سند در عالم اعتبار وجود دارد که گواهی می کند مالکیت ما را بر آن سینی خلا یا مالکیت اسمی یا مالکیت حاکم . اگر گواهی مالکیت حاکم باشد تنها مصداقش بول است



تفاوت

جنبه واقعی	جنبه اسمی
کالا	گواهی های مالکیت
خدمات	اشیاء در اشیا و غیر
↓	- واقعی یا تعهد به
هرگونه اموال و	اموال مالکیت لیاذ
اشیاء محسوس که	و اموال جنبه واقعی
سود خارجی دارد.	

سند یا گواهی جنبه اسمی مال یا گواهی عام را اخصاص می گذازد از آن مال که در مصداق اخصاص عام را در نظر بگیریم تنها مصداق آن پول است که به ما اجازه می دهد از اموال جنبه واقعی برخوردار شویم.

این پول مالکیت عام به ما می دهد و ما از همه آن جنبه واقعی چه توانیم برخوردار شویم.

در مقابل پول هزاران سند است مثل سند خانه که خوردش به تنهایی ارزش ندارد و مالکیت قطعی خاص را به ما می دهد و قولنامه هم در این جنبه است اما نشان دهنده مالکیت آتی نیست.

در جنبه غیر واقعی و اسمی نونه ای اسناد هستند که بالاترین آنها پول است.

بگیری اسناد مثل قولنامه و قرارداد آتی که در پول وجود دارد. این اسنادی که حاکم از مالکیت عام مادر جنبه واقعی استند است را جنبه پولی استند می گویند.

آن اسنادی که حاکم از حق مالکیت آتی ما به طور عام یا به طور خاص در اموال جنبه واقعی هستند جنبه اسمی سرمایه ای یا جنبه غیر واقعی سرمایه ای نام دارند.

اوراق مشارکت چیست؟

یک سند است که خود ارزش ندارد بلکه تعهداتی که برای انتقال مالی است در بخش آتی اهمیت دارد و در بخش غیر واقعی و سرمایه ای قرار می گیرد

سهام چیست؟

سهام یک بلیت است که خود ارزش ندارد و آن تعهدی که شرکت کننده بر دوش دارد سود و دایون واقعی حاصل داده است ارزشمند است

سفته چیست؟

سفته هم رندی است که خود ارزش ندارد و در بخش اسمی است چون سند است و چون در آتی است در بخش سرمایه است

اوراق سرمایه ای مثل اوراق سئوک اجاره سه در حقیقت می تواند یک مال الاجاره ای از آن شخص مستاجر طلب کند. الان این سند ارزشمند نیست. در آینده ارزشش را دارد پس سرمایه است اوراقی از بخش سرمایه ای که تاریخ آن زیر ۱ سال است در بخش پولی بر می می شود و می توان پول به آن نگاه می کنند.

در بازار پول برای هدایت کردن بخش مالی ساختار حیطه ای داریم و هم چنین برای هدایت کردن بازار سرمایه هم ساختار حیطه ای داریم. رابطه بین تقسیم گیری در بازار سرمایه پول در بخش واقعی اقتصاد هم است.

بلیک ها در بخش پولی اقتصاد فعالیت می کنند که به عنوان ناچرها در قانون کارند و در بخش سرمایه ای هم هزاران بلیک است مثل بلیک بازار مردانان، سندگردانان و بلیک های سرمایه ای



حقوق بانکی

حقوق بانکی در مقام عقیدت استوار است که قواعد عام بر بانکها و مؤسسات اعتباری و فعالیت های حرفه ای

آنجا می آید

در صورتی که از بندهای سطحی ( پول، مراد، بیمه ) یک تنظیم کننده بازار وجود دارد برای نظارت های مالی

تنظیم برای بازار پول و بانک مرکزی انجام می شود. نقدی اثر کلیم مجموع موارد عالم ابتدا کنیم علاوه بر

مقررات بود به تقویت بانکی مرکزی هم نگاه کنیم

بنابراین در سال ۱۳۲۹ به تصویب قانون پولی و بانکی لایحه تأسیس شد که وظیفه محده دارد

۱- تنظیم بازار پول و ارز که زیر مجموعه آن حق انتشار اسکناس و ابرعهده دارد

از نظر

۲- نظارت بر عملکرد بانک های کشور ( برای بانکی ها مقررات می گذارد در قالب مقررات عمومی پول و اعتبار آن اجرائی

۳- ناظر دولت است یعنی حسابهای مؤسسات دولتی و وزارت ها و سایر نهادی می گذرد

بنابراین نظارت بر بانک مرکزی در این موارد

۱- بانک اول : مجمع عمومی

۲- بانک دوم : شورای پول و اعتبار ( رسدگذار )

۳- بانک سوم : هیئت عامل ( اجرائی )

۴- بانک چهارم : هیئت نظارت بر انبوهت و اسکناس

۵- بانک پنجم : هیئت نظار ( بانک نظار )

این سه بانک در همی و نهادها ( تنظیم گرها ) مسترد است ( regulator )

یک بانک هیئت گذار است یک بانک اجرائی است و یک بانک ناظر است

و

جمع عمومی بانک مرکزی مستقل از رئیس جمهور و بدین ترتیب از حیطه است (دقیقا مثل کت های سپاهیه) +  
رئیس کل بانک مرکزی چه چند وظیفه دارد :

۱- رسیدن به برنامه بانک مرکزی

۲- بررسی گزارش هیئت نظار

۳- تقسیم سود و زیان بانک مرکزی (در موارد فوق الذکر است) اما به استثناء احوال منتهه (فرنیات رولر فلان)

(اجرای هم نیست)

سوی لول و اعتبار که مهم ترین رکن بانک مرکزی است و وظیفه ریاست نظری را بر عهده دارد، مستقل از  
وزیر اقتصاد و دارایی، رئیس زمان برنامه و افراد دیگر است که از نظر حقوقی آتی نامه های عملکرد بانک  
ها و قواعد حکم بر عملکرد بانک ها و تنظیم امور پولی و مالی کشور را دارد.

\* رکن اجرائی بانک مرکزی هیئت عامل است. رئیس هیئت عامل، رئیس بانک مرکزی هم هست.

\* هیئت نظار وظیفه رسیدن به اهداف بانک مرکزی و تهیه گزارش برای مجمع عمومی را بر عهده دارد.

مابذ مخالفان بازار پول هم مواجهیم که عبارتند از بانک ها و موسسات اعتباری و سایر نهاد های اعتباری.

حلیک بانک داریم که این بانک پیر از انقلاب هم در مالکیت عمومی قرار داشت و هم در مالکیت خصوصی.

از نظر اطلاع و بانک ها یک مجمع عمومی دارند و یک هیئت مدیره دارند و مدیر عامل

عبارت مقلد موسسات اعتباری و بانک های قرض الحسنه ما داریم که از لحاظ تجدید منابع و فقط می توانست

در حال حاضر هسته اخذ کنند و فقط می توانست قرض الحسنه دریافت کنند. مدیر عامل و وظیفه این صندوق فروش  
عقد است.

بخش های تحت نظارت بانک مرکزی  
پس از آنجا مراجعه است

بانک مرکزی علاوه بر قولنامه نظریه اخراج خاص (مورسات کت نظارت) و مواعیدی برای معاملات اخصا هم وضع می کند.

مقاله های بانک هاور دو هفته تان تقیم بندی است: (مجموع)

۱- تجزیه منابع: کسبیم محل اصلی بانک و اول وجهه است. بانک در حین حجج اولای پول ها است از طریق تجزیه منابع آن ها را انجام می دهد. (واسطه وجهه بین عرضه استن و تقاضا استن پول) تجزیه منابع از ۳ طریق انجام می شود: ۱- عرضه الصسم

۲- سیره های جاری

۳- سیره های مدت دار

حساب جاری و حسنی دهبه خود را سیره می کند با این قید که بدون دهن سودی به او تعلق بگیرد حق بر است در هر زمانه محفوظ باشد. تفاوت حساب جاری با عرض الصسم: در عرض الصسم فعلا جزو آن می توانید برداشت کنید و نمی توانید حواله کنید یا به وجهه بپردازید.

سیره مدت دار: برخلاف عتوض الصسم است. در مدتی که پول در حساب است بانک به حساب شما سود می دهد (قراردادهای با هدف تجزیه منابع)

۲- تخصیص منابع: علاوه بر بانک در حین تمام دادن و جمع بستن انجام می دهد را تخصیص منابع می کنید (معمولاً که با تقاضا استن پول دارند)

ما با دو دسته عقود مواجهیم: عقود مشارکتی و عقود عیادله ای

در عقود مشارکتی بانک و سقف دریافت کشته اعتبار سربیک می شود و بنابراین هم در خطر ناشی از فعالیت مشارکتی سربیک خواهد بود دهم در سود آن.

مصادیق آن زیاد است. مثلاً یک قرارداد مسافرتی بین یک مسافر و یک شرکت هواپیمایی است. در این قرارداد، شرکت هواپیمایی متعهد می‌شود که مسافر را به مقصد مورد نیاز برساند و مسافر متعهد می‌شود که بلیت را بپردازد. در صورتی که شرکت هواپیمایی نتواند مسافر را به مقصد برساند، شرکت متعهد می‌شود که خسارت وارده را جبران کند. در صورتی که مسافر نتواند بلیت را بپردازد، شرکت هواپیمایی متعهد می‌شود که بلیت را لغو کند و هزینه‌های مربوطه را از مسافر دریافت کند.

عقد مسافرتی دارای اهمیت ویژه‌ای است و در صورتی که شرکت هواپیمایی نتواند مسافر را به مقصد برساند، شرکت متعهد می‌شود که خسارت وارده را جبران کند.

در عقد مسافرتی، شرکت هواپیمایی متعهد می‌شود که مسافر را به مقصد مورد نیاز برساند.

عقد مسافرتی در حوزه فعالیت‌های بازرگانی است.

عقد مسافرتی در حوزه فعالیت‌های بازرگانی است.

عقد مسافرتی در حوزه فعالیت‌های بازرگانی است.

در عقد مسافرتی، شرکت هواپیمایی متعهد می‌شود که مسافر را به مقصد مورد نیاز برساند و مسافر متعهد می‌شود که بلیت را بپردازد. در صورتی که شرکت هواپیمایی نتواند مسافر را به مقصد برساند، شرکت متعهد می‌شود که خسارت وارده را جبران کند. در صورتی که مسافر نتواند بلیت را بپردازد، شرکت هواپیمایی متعهد می‌شود که بلیت را لغو کند و هزینه‌های مربوطه را از مسافر دریافت کند.

مثال: شرکت هواپیمایی متعهد می‌شود که مسافر را به مقصد مورد نیاز برساند و مسافر متعهد می‌شود که بلیت را بپردازد.



تجربه شرکت با بانک

برای خرید کالاهای تولیدی نیاز دارید. بانک می‌گوید من به شما اجازه می‌دهم در پایان اجازه من به شما مثلاً خانه را می‌دهم. در اینجا اصل سرمایه بانک می‌گردد فروشنده مال اجازه داده شده. سود بانک هم اجازه‌های دریافتی در طی دوره است.

بیع سلف

بانک کالا را برای ما می‌خرد ۱۰ میلیون و ما ۱۲ میلیون می‌فروشیم و در قالب اسقاط بقیه می‌گیریم.

بیع سلف

بیع سلف همان پیش خرید است. می‌گردد من کالای یک سال آینده را الان از شما ۱۰ میلیون می‌خرم به شرط آنکه در آینده شما این کالا را به من منتقل کنید و وقتی می‌خواهد منتقل کند ۱۲ میلیون منتقل می‌کند.

(نام این فعالیت در صورت سود است)

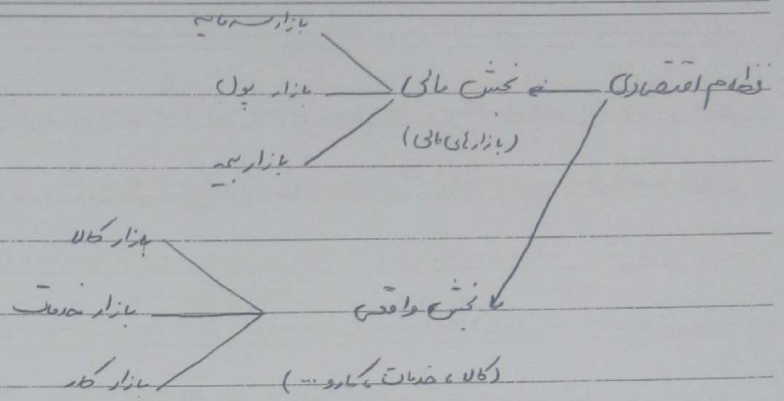
حکم سلف

۹۵/۷/۱۹

کسی که شغل خودش را با بانک و ضمانت مترا دهد متناهی محسوب می‌شود

علی‌رغم سلفی بانک و افرادی که در بازار سرمایه و بیمه هم هستند آخر محسوب می‌شوند

باید راجع به اعمال کاری خاص باشد که حدی برای خواص دارد. امروز درباره بازار سرمایه صحبت می‌کنیم



هر یک از این بازارها علاوه بر قوانین عامی که وجود دارد (قوانینی که بر آنها مربوط است) قانون مدنی، و در قانون تجارت و بعد قوانین خاص خودشان ((

نویسنده حقوقی در این صورت است که در هر بازاری ابتدا قانون خاص خودشان را پیدا می کنند اگر حکمی نداشته باشد قانون تجارت مراجعه می کنند و اگر آن هم وجود نداشته باشد قانون مدنی مراجعه می کنند.

در هر کدام از بازارهای بخش مالی هم ۳ نوع داریم به اولاً اون ابزارهایی هست، مثلاً در بازار پول (بانک) ابزار گشایش که بانک با سپرده گذار و متقاضی وجوه می بیند است یعنی عقود و قراردادهایی که در آن بازار مورد استفاده است. بعد ما چه چیزی را داریم که نه خود افراد فعال در هر بازار دارند و در آن فعالیت می کنند.

در بازار سرمایه با بورسها مواجهیم. همه بازارهای ما اگر این ابزاری، سیاست گذاری و حسابرسی دارند. نظارت بر بازارهای مالی صورت اتفاقی رخ می دهد یا نظارت واموری داریم بر همه بازارها مثل آن چیزی که در آمریکا بعد از بحران 2008 اتفاق افتاد. همه بازارها ناظر مربوط به خودش را دارند.

بازار سرمایه: مثل همه بازارهای مالی دیگر کارکن دارد.

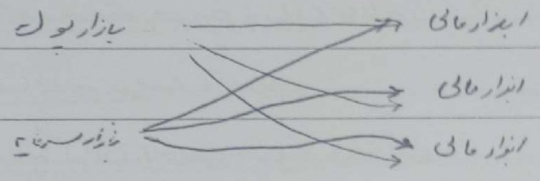
از سئوای عالی بورس و اوراق بهادار  
 از سازمان بورس و اوراق بهادار



رکن اجرائی سے سناہان پورس و اوراق بھادار  
رکن حساب پورس سے سوراکی عالی پورس و اوراق بھادار

سورانی پورس و اوراق بھادار کسی است کہ با تقیبات خودش بنامہ استولہ سے تہ سال ۱۳۸۴ و ج  
موجب قانون بازار اوراق بھادار ایجاد شد. تصویب یہ صورت های کلان و خط مشی بازار را بر عہدہ دارد.  
امضای شورا: مدیر عاملی و وزیر امور اقتصادی، وین کورنگ مرکزی

ارکان بازار مالی



فصل ۱۱ از تصویب سیاست کلان چیست؟ (در قانون بازار شرح داده شده است)

- ۱- ایجاد تطبیق لازم جهت سناہان پورس و توند بازار اوراق بھادار
- ۲- تعیین سیاستها و خط مشی بازار اوراق بھادار
- ۳- تصویب خط مشی بازارهای جدید و جدید بهم
- ۴- پیشبرد این امر لازم برای این قانون
- ۵- صدور و تعلیق و لغو مجوز مالکیت بورسها، بازارهای خارج از بورس، شرکت های سپرده گذاری مرکزی اوراق بھادار
- ۶- تصویب بدو صورت های عالی سناہان
- ۷- تصویب نوع و میزان وصول های سناہان
- ۸- تعیین تصدیق چگونگی چند نظام و معادین بازارهای مالی

سازمان بورس و اوراق بهادار

وظیفه این سازمان اصلی به شمولیت و نظارت بر اهرای توانین و مقررات است. این سازمان یک مرتبه از شورای عالی بورس و اوراق بهادار پدید تر است و یک مرتبه مجرد غیر دولتی است که توسط یک هیئت مدیره دوره من شده. این هیئت مدیره توسط شورای عالی تعیین می شود.

وظایف سازمان بورس و اوراق بهادار:

- ۱- تعیین آیین نامه های لازم برای اهرای قانون بازار و پیشبردش به شمول
- ۲- تهیه و تدوین دستورات و مقررات های اهرای قانون بازار
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قانون بازار
- ۴- ثبت و صدور مجوز عرضه مجروح اوراق بهادار
- ۵- تصویب اساسنامه به بورس و اوراق بهادار
- ۶- نظارت بر سرانجام گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی
- ۷- صدور و تعلیق و لغو مجوز تعیین کارکنان و نمود های مالی قانون بازار که در حوزه عمل مستقیم شمول است

بازرگان این زمین چه کسانی هستند؟ در بازار سرمایه باز بندگان ۳ دسته اند: ۱- باسکان (مخاضی و غیره)

۲- نهاد های مالی (نهاد واسطه)

۳- تسطی های خود انتظام

بازرگانی به چه کسی می گویند؟ بازار های مالی چنانچه برای انتقال وجوه از عرضه کنندگان وجوه به تقاضیدان وجوه است.

سپرده نیازان

مازاد وجوه نقد

→ نهاد ها و ابزار

بورس

دریافت کنندگان سهامات

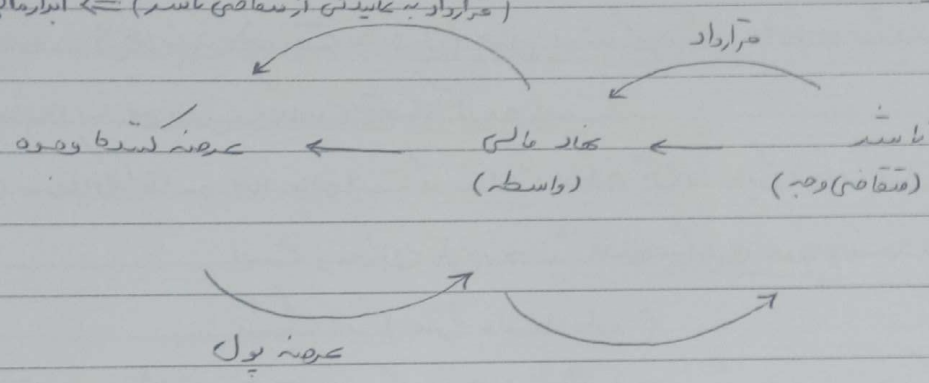
نیاز به وجوه نقد





در این تامین اعتبار توسط ابزارهای مالی بلند مدت اتفاق بیفتد وارد بازار سرمایه شدیم و اگر دستا  
ابزارهای مالی کوتاه مدت اتفاق بیفتد وارد بازار پول شدیم.

ناشر کسی است که متقاضی تامین مالی است برای اینکه این وجوه را ناسر از متقاضیان بگیرد، قراردادهای  
می بندد که به آنها ابزارهای مالی می گویند ولی چون تخصصی است یکی باید بین ناسر و عرضه کننده وجوه  
قرارداد بگذرد (قرارداد به نمایندگی از متقاضی ناشر) ← ابزار مالی



ناشران اوراق کماکان در بازار سرمایه دورتر اند.

۱- ناشران سبب شده نزد سازمان بورس پذیرفته شده اند

۲- ناشران سبب شده نزد سازمان که در بورس پذیرفته نشده اند

این ناشران باید در غالب صورت سهامی خاص باشند تا بتوانند در بازار سرمایه تامین مالی کنند  
چون این ناشران طبق قانون حتماً باید باینده سبب شوند یکی سری آنها اوراقشان در بورس  
پذیرفته می شود و یکی سری نمی شود چون شرایط دارد تا پذیرفته شود در بورس.  
(در همین حدکافیه در مورد ناشران)



دسته دوم از بازپیمان (مقالات) بازار کفایت های مالی که مانده اند و انواع مختلفی دارند با توجه به کاربردهای بازار :

۱- کارکنان - اوراق کفایت را برای دلبران و به حساب آنها معامله می کند

۲- بازار گردان - کارکنان / معامله گری است که با اخذ مجوز لازم با توجه به افزایش نقدشوندگی

و تنظیم عرضه و تقاضای اوراق کفایت معین و گنبد دافعه نوسان قیمت آن به

دادوستد آن اوراق می پردازد. کفایتی است که با قراردادی که با ناسد

می بندد و هر وقت تقاضای برای سهام ناسد کم شود. وارد می شود و سهام را

می خرد و بالعکس تسهیل کننده است.

۳- صندوق سرمایه گذاری - کفایتی است که فعالیت اصلی آن سرمایه گذاری در اوراق کفایت

است و مالکان آن به نسبت سرمایه گذاری خود در سود و زیان آن

شریک اند (نقد و واسطه دلدرد)

۴- سپید گردان - شخص حقوقی است که در قالب قراردادی مشخص و به منظور کسب انتفاع

به خرید و فروش اوراق کفایت برای سرمایه گذار می پردازد. (مدیریت کلیه از

دارایی طرف را با قراردادی که با او می بندد در دست می گیرد)

۵- سربت سرمایه گذاری مرکزی - سربتی است که امور مربوط به سب و نگهداری

انتقال مالیت اوراق کفایت و تسویه وجوه را انجام می دهد

۶- سربت تامین سرمایه - سربتی است که به عنوان واسطه بین ناسد اوراق کفایت

و عموم سرمایه گذاران فعالیت می کند و می تواند فعالیت های

کارکناری، معامله گری، بازارگردانی، مشاوره، سپید گردانی،

بنده نویسی و فعالیت های مشابه را با اخذ مجوز از سازمان انجام دهد

۷- سربت سرمایه گذاری - سربتی است که بدون آنکه در سربت سرمایه بند نقد یا

کنترل قابل ملاحظه ای در به قصد انتفاع اقدام به سرمایه گذاری

می کند.

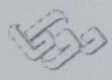


۱۰ - سریت های مادر (مادری) - سریت است که با سرمایه گذاری در سریت سرمایه  
 پذیرد جهت کسب اقسام و نقد حق برای کسب می کند  
 که برای کنترل عملیات سریت، هیات مدیره مؤثر باشد  
 و کارکردش با صندوق سرمایه گذاری مشابه است اما  
 صندوق مقررات دست و پاگیر را دور می زند

سومین گروه (غیر) که در بازار سرمایه و بازار بورس و تسلط های خود است  
 اشخاصی هستند که تابعیت وضع ضوابط و مقررات برای اعضای خودشان را دارند اینها  
 ممکن است افرادی از خارج از بورس باشند. کلاً است افرادی از سازمان باشند یا افرادی از  
 بورسها یا بازارهای خارج از بورس باشند. حکمی که قانون ب او اجازه می دهد برای اعضای  
 خودشان قانون وضع کند و اعضا مجبور به اطاعتش باشند.

۱ - بوررها	۲ - کانون ها	۳ - سریت های سیده گذاری مرکزی
↓ تعمیر	مثلاً کارگران جمع می شوند و کانون تشکیل می دهند مثلاً کانون روپا	اوراق بکار و تسویه وجود
	کانون ها پس با نفع بورس به مقررات های خود - نظام هم تطبیق دارد.	

نوع بورس :



انواع بورس : □ اوراق کادار ← حق تقدم سهام ، اوراق مشارکت ، اوراق اجاره ، عمده ترین مبادلات سهام است .

□ بورس کالا ← کالا خودش مبادله دارد ← کالای کشاورزی ، صدفی و غیره با خاورده های نقدی

□ بورس انرژی ← نفت و مشتقات نفتی ای که در بورس کالا نیست و برق در انجا است . گاز طبیعی و تگالند هم اینجان !

□ خراب بورس

تفاوت اوراق کادار و خراب بورس : بعضی از شرکت ها به دلیل سختی پذیرش در بورس نمی توانند سرمایه را کسب کنند . آنها می توانند در خراب بورس اوراق همان را مبادله کنند . کث سرمایه است که در خراب بورس ، پذیرش شدن آسان تر است ولی در بورس سخت تر است . خرابی تفاوت دیگری ندارند . احتمال اینکه بتوانی بجهت با در بورس بفروشی بیشتر از خراب بورس است .

- گروه های اجرائی ← کارگزاریان
- ۵ نهاد های سرمایه گذاری ایران
- ۴ شرکت های سرمایه گذاری سهام عدالت

کث ابزار های مالی : آن قراردادهایی که فعالان بازار با هم می بندند ( همیشه بودجهت خواهد شد )

کفایت قانونگذار در تعیین نشانی خاص برقرار گردیدند و این بیان کرده است.

در سایت [conlaw.ir](http://conlaw.ir)

کفایت در بازار سرمایه در قانون بیان نشده.

در این باب بازار پول و سرمایه (اداره) و بازار بیمه را بررسی می کنیم.

(با باور برپیت درون دادند و مشخصات بازار را بیان کرده ام)

کفایت حقوق بانکی و حقوق بانک صادر گردیدند و این بیان کرده است.

ضمیمه هم بازار پول چه کسانی هستند. بین آنها در راستای اهدافشان از سوی عقود استفاده می کنند

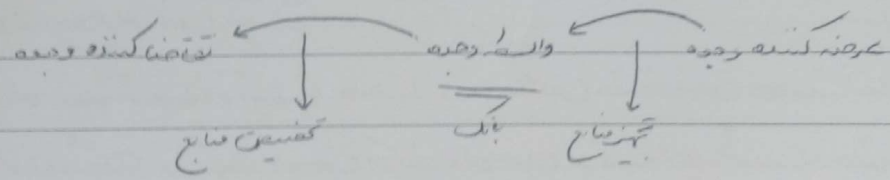
تجزیه منابع (عقود برای جمع آوری وجه)

این عقود دو دسته اند: عقود و قرارداد های تجاری برای

کفایت منابع (عقود برای توزیع وجه بعنوان بازو)

در واقع کفایت منابع قرارداد های هست بین بانک و عرضه کننده وجه. در واقع بانک واسطه ای بین عرضه کننده وجه و

مقتضیان وجه است.



در سپرده های قرض الحسنه سودی به وجه سپرده گذاری شده تعلق نمی گیرد. دقیقاً با عقد قرض در قانون

عربی و طاعت می کند. در بین سپرده های قرض الحسنه، سپرده جاری را داریم چون سودی به آن تعلق نمی گیرد

قرض الحسنه است اما بانکی و برتری که اگر چنین سپرده ای اقامت شود بانک علاوه بر تعهد به بازپرداخت

تعهد می کند که اگر با شخص دیگری را بعنوان حساب قرضی کردید، بانک متعهد است که پول را به آن

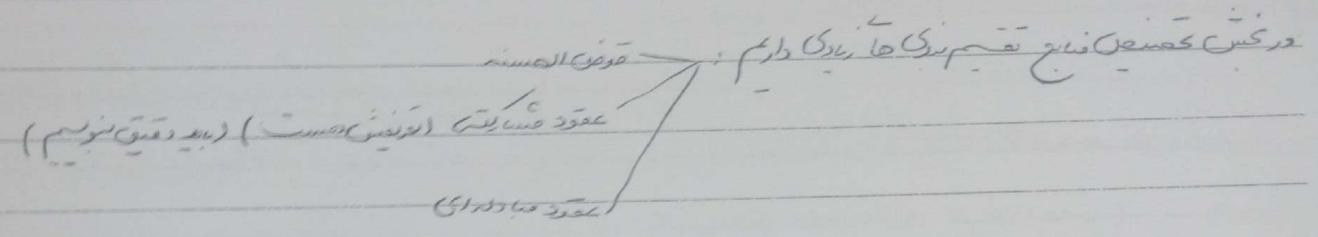
شخص ثالث برسد.

سپرده جاری = قرض + احوال



انتقال وجهی که از طریق سپرده های جاری صورت می گیرد از طریق حساب سپرده و حساب (بورای می نامند)

سپرده های مدت دار در خلاف قرض الحسنه ، بانک می تواند به وجه سپرده گذاری شده سود بدهد.  
با توجه به مدتی که پول می گذارد ، تعهدات بانک و تعویبات شورای پول و اعتبار ، ۳ ماه سود می دهد.



شرکت نفی دو نفر یا چند نفر سرمایه های خود را میزج می کنند به کار می زنند و منابع آورده را بین خودشان تقسیم می کنند. (شرکت از مشارکت مشتق شده است)

در مشارکت مدنی موضوع مشخص نیست.

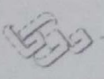
شرکت حقوقی آورده را می آورند اما عملیات در قالب شخص حقوقی اتفاق می افتد مثلاً بانک شرکت می خرد یا بانک شرکت تاسیس می کند ولی چون در قالب انگاد شخصیت حقوقی این کار را کرده اند شرکت ، حقوقی است به مثابه شخص خواهد بود مغازه زنند ، حکومت مداری پول می گذارد و مغازه می زنند به پولی که تکلیف شده به نظر به انگاد شخصیت حقوقی متعلق نشده پس مشارکت مدنی است اما اگر کواصم این مغازه رو از طریق شرکت سهامی خاص خرید پولش را می گذارد سهام مداری را می خرد و بعد مالک شرکت سهامی خاص ، مالک می شود.

مضارع مخصوص اعمد کاری است. اگر قدر کردید که علیات شما، کار است؛ مضارع صحت گرفته است  
 اگر مسلمات بر قید استغریزی است می شود خرابی و اگر بر وجه و خبری است می شود مسلمات  
 نایب می تواند از تمام عقود مسلمات استفاده کند و در اشکال عقود مسلمات این است که نایب می تواند از تمام  
 بین مسلمات و خبری یک نایب است گرفته است.

ادنی بودن حرار داد یعنی تعالی فرستاد و از نام نور نیست. هر زمان خواهد می تواند بدون نایب (دریغی عقود  
 مسلمات)

در مورد خبری مسلماتی مثل نایب می تواند در اول بنامند است. نایب می تواند من برآ  
 در جایگاه ضم و شن به صورت مسلمات از تمام مسلمات در اینجا مسلماتی صورت گرفته، و در خبری در پیش  
 بوده است.

جمله: شایسته است که نایب از نایب نایب است و هر یک آمدن اولی را در دست  
 عامل ها  
 فعل  
 جاعل



انبارهای عمومی

انبارهای عمومی به معنای عقودی است که برای تأمین مالی و عهده استقاده شرکای میسرند.

اوراق کهارله با اوراق هستند که بر پایه عقود منسوخ میسوزند. اصدار می (در اسناد بویف، مجیده ترش) است.

انبار مکتوبی که نشاندهنده انتقال مال به شخص دیگر در زمان مشخص باشد. (اوراق کهارله)

انبارهای مالی ای که منسوخ شده و انبارهای است که در شورای عالی پول و اعتبار انتخاب میسوزند. معادله  
این شورا انتخاب می کند که چه که انبار مکتوب بسیار است.

بهم نقل نقل و انتقال است. سهم نشان می دهد در من به عنوان آورده ای که در شرکت آورده ام در سود و زیان شرکت  
سهم هم. برای انتقال مال به شخص تعیین شده (دو تایی بهم)

بهم چون در شورای عالی بورس عنوان انبار مالی تعیین شده به توان آن را صادر کرد.

حقوق تقدم در سهام

در خرید سهام جدید صاحبان سهام نسبت به همایی که فالند حق تقدم دارند و این حق مالک نقل و انتقال  
است. محتمل که طی آن سهامداران می توانست حق تقدم خود را اکتال کنند که در روز خواهد بود.

بر اساس قانون تجارت، اگر شرکت بخواهد سهامس را افزایش دهد، آن کسانی که قبلاً در شرکت  
بودند اولویت دارند بر افراد جدیدی که می خواهند بیایند، این حق اولویت را در قالب برگه ای  
ارائه می کنند که حق تقدم سهام گفته می شود.

اولاد لواهی مکتوب است. شایسته کسی که آن را داده است، می تواند مالی را به مالکیت خودش  
در آورد و سراطی هم دارد پس از انبارهای محسوب می شود.

سبک اجاره بر مبنای عقد اجاره صورت می گیرد. حرفش کند کسی (سهولت با همان) نیازمند  
هوایا بوده است. (هم در بازار پول و هم در بازار سرمایه مصداق دارد) این سهولت می آید از مردم  
پول جمع می کند (تأمین اعتبار از مردم مردم) به طوری که مردم می گویند ما برای شما این  
کار را انجام می دهیم (خرید و ما با از طریق نهاد واسطه) بعد از آن اجاره می دهیم و در



۱۵ مقابل اماره (عقد اماره) سوابق با همان معنی مفاد شد :

۱- پرداخت اماره بها در موارد معین

۲- خرید مال اماره در زمان سررسید.

این عقد در سوابق اوراقی صورت می گیرد که تابع آن می گوییم اوراق اماره و این اوراق را بین مردم توزیع می کنند.

عقد اماره را قانون مدنی تعیین کرده است اما چیزی که برای ما مهم است تعریفی است که در شورای عالی بورس آمده است (تعریف در اسلاید هست)

۱۵ اوراق مسابقت نامش از عقد شایع است که در حقیقت پیش آن را تعریف کردیم. یعنی دو یا چند نفر آورده خود را ترکیب می کنند، در سود و زیان حاصله شریک خواهند شد و هر کس از این ۲ نفر برای همه بدهد خود نسبت به سود و زیان سندی را منتشر کنیم این صورت که من عقد می کند : ۱- پرداخت سود و مسابقت در زمان های معین ۲- انتقال (پرداخت) تابعه برای فروش مال موضوع مسابقت در انتهای دوره.

مثلاً دولت برای طرح عمرانی اش نیازمند پول است. از مردم می خواهد که اوراق مسابقت بخرد.

\* از موارد ادعای ربی با اوراق رهنی سوال نباید \*

که از خود اوراق رهنی هم سوال نباید



بابت مسکن و امچ به اسفغان می دهد، در قبال آن پرداخت بابت مسکن چه طلبی دارد؟  
ایکم سود ها را در زمان تعیین بدهد و در آخر اصل پول را هم بدهد. حالا بابت مسکن  
می تواند این چنان با تسهیل کند

اسناد خزانه با اوراق بهادار با نام وینامه است که خزانه داری ... با کهای اسمی یعنی و بیرون  
گویند سود با سر رسید های حداکثر تا سه سال منتشر کرده و در قبال بدهی های مسلح گمش  
دولتی و با توافق با نظاران به صورت تنزیلی (با کسب از کهای اسمی) در اختیار آنها قرار می دهد

مثلاً دولت به پیمانکاران بدهکار است، می آید می گوید به جای آنکه دولت را بدهم، به پیمانکار  
سوی اسناد خزانه اسلامی می دهم که آنها اولاً مدت دار است ( 3 ماهه یا یکساله ) و هم  
قابل نقل و انتقال است یعنی تم بدو آن بندی که در بورس به تو دادم را بفروش و  
دولت را بگیر بعد من به کسی که این سند را در دستش داری تسویه می کنم و این اسناد  
چون بستوان اس دولت است مطمئن است او را قرض به درد ما نمی خورد

( برای اطلاعات بیشتر وقت دهم نیست )  
تعداد

عزیز منی :

اینرا کهای فاسی :

هر چند متوجه که مالی اسفغان در آینده و در ازای  
سوابق خزانه است



این ابزارها که در رسیدن کمتر از یکسال است در بازار پول مبادله می شود  
و ابزار بازار پول است و اگر سر رسیدش بالاتر از یکسال است در بازار سرمایه

این ابزارهای مالی را می شود به ابزارهای سرمایه ای یا ~~هنگامی~~ دارایی و ابزارهای بهره  
تقسیم کنیم

در ابزارهای سرمایه ای یا دارایی دارنده ی ابزار اولاً مالیت مساع در دارایی مستند دارد.  
دوماً حق دریافت سود و زیان ناشی از مشارکت دارد و سهم بزرگترین مورد آن است.

در ابزارهای بهره حق مالیت ایجاد نمی کند و تنها مستحق دریافت سود در موارد مشخص  
و اصل پول در سر رسید است که مثال بازش اوراق مرهونه است. مثال های دیگرش  
مثل اوراق اجاره ، اوراق مشارکت ، اسناد خزانه و ... است.



کیفیت بازار بیمه :

منشأ و مبدأ بیمه از بازار دریایی است. اولین بار بیمه خرید کبری در انطیستان بعد از آن سوزی گسترده بوجود آمد و سپس بیمه کبری و خرید کبری رسته ترکیبی در آمد. اما در بازار پول و سرمایه عقود متعددی داشتیم اما عقد در بازار بیمه فقط عقد بیمه است و چیزی محدود است.

\* تعریف بیمه و انواع بیمه مهم است \*

انواع بیمه (به اعتبار موضوع) : بیمه خسارت (سوال) / بیمه اشخاص

کسری در اصول به دو طریق اتفاق می افتد :

① یا مستقیماً مال از بین می رود مثلاً آتش سوزی، دزدی و ... و بیمه اموال (خسارت)

② یا غیر مستقیماً از دلایلی مافی که در حوزه بیمه مسئولیت جا می گیرند یعنی اگر به هر طریقی مالی از ما نقص شود ما نسبت به آن مال و صاحبش مسئولیم (مهندس و ساختمان)

رکن بیادیت گذار : سوزی مالی بیمه / رکن اهرایی : حیثیت عامل بیمه مرکزی / رکن ناظر : سازمان

بازار / بیادیت بیمه چه کسانی هستند ؟ (اسلاید چهارم کمی فعال در بازار بیمه)

- ۱- شرکت های بیمه
- ۲- نمایندگی های بیمه
- ۳- دلالان بیمه

هدف نمایندگی بیمه عامل است باید از توانش بیمه تقویت کند

11  
Power به اسم هندو تجارت از title (تألیف نام وضع کرده)

عناون تجارت برای کتابی که آجرو در فرجه هر دو <sup>9</sup> و نیز تألیف تغییر کرده : 1- داشتن دفاقر تجار <sup>10</sup>  
2- بیست نام در دفتر بیست تجار <sup>8</sup>

وزارت عدلیه = اداره بیست <sup>10</sup> بیست <sup>10</sup> (State) امروزی .

دفتر کل  
از زمان <sup>10</sup> دفتر کل که کار معاملات و خدمات دولتی در آن بیست <sup>10</sup> کتابخانه ایستادگی و خدمات مالی به مردم  
طبقه بندی شده با روشی خاص در دوره ای که کمتر از یک دهه بیست <sup>10</sup> می کند

دفتر کل : دفتر کل که معاملات و تجارت و احوال و کسب و کار و حسابات و در آن بیست و هفت <sup>10</sup> می کند  
امروزه جای دفتر کل و دفتر اندک <sup>10</sup> در دسترس دارد

دفتر داری : و همگیت کل تا به است که در بیست سال <sup>10</sup> تهیه می شود

- 1) در بیست های سهام عام برای تهیه این دفتر و بیست از اصول حساب داری ملی الزامی است  
2) برای بیست های سهام عام نیز بیست <sup>10</sup> در بورس علاوه بر بیست است دارند های ملی و رعایت  
است دارند های بورس نیز الزامی است

3) قبل از تنظیم اعتبار حواله <sup>10</sup> در دفتر بیست <sup>10</sup> در دفتر بیست <sup>10</sup> می کند

معادله ذرات تجاری (هم است)

اگرچه مقررات دارد و در وقت بود اما سال ۲۰۰۷ سال نظامی بود (مکرم ۱۴)

خبرنامه ۹۵/۸۱۳

بحث سربت های تجاری :

• اصولی حکم بر فعالیت سربت های تجاری

• اهمیت از نظر اقتصادی

• از نظر حقوقی

• اداره سربت های تجاری ، سربت های دولتی متفاوت است

• سربت دولتی حاصل استخراج فعالیت های دولتی است که به فعالیت اقتصادی بیخامد

• بحث اهمیت سربت های تجاری در سال ۱۳۴۷ معاد قانونی سال ۱۳۱۱ اصلاح شد

• استخراج سربت می تواند دارای باشد ، می تواند تجاری باشد (مثلاً دولت یک خبره ۲۰ نفره سربت را می بیند)

(استخراج اصولی ، متوجه ما سربت های تجاری)

بین سربت به مفهوم تجاری و ملایم این تفاوت است که در سربت دولتی هدف حین است غیر از

سود بردن باشد اما در سربت های تجاری تنها سود بردن است ، (بر power بود)

مال از نظر حقوقی هر چیزی است که واحد برای اشخاص

شخص حقوقی کسی است که صاحب حق و تکلیف شود. یعنی هم یکی حقوق دارد و هم یکی بری

وظایف شخص طبیعی (افراد)

شخص حقوقی: فکری است و مورد ذریع بلائه بشود

شخص حقوقی را نام حقوقی میگویند است عبارتند از حقوقی که تعریف است

۹۵ / ۸۱۸ چهارم دهم

شقوق تسلیات تجاری و مؤسسات غیرکتابی با نسبت های کلی

نسبت های تجاری و نسبت کسب سود چیست و سود حاصله تقسیم می شود

تسلیات تجاری و مؤسسات غیرکتابی عبارتند از سود بدین و تقسیم منتهی به سود

اگر هدف از تسلیات غیرکتابی با نسبت های اولی و ثانی و حتی اگر سود تقسیم شود ما

آن را غیرکتابی می دانیم. مثلاً مورد قلم می آید!

مؤسسات در تسلیات دولتی و ملی: وزارت خانه ها و نهادها خودسوز بودارند

سلیات ها و مؤسسات غیرکتابی - مراد - بر این نسبت عمومی

سلیات دولتی و ملی - از همان زمان احداث به موجب قانون

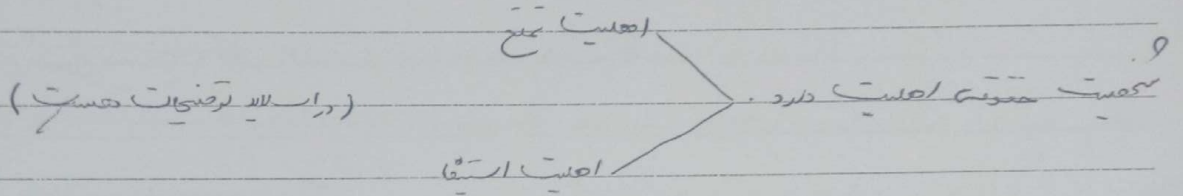
دو

۱۹

انفال حقوق عسقیتم ← حق عینه

انفال حقوق غیر تقیم بر یک مال ← حق ربی

صرفهت نسبت منحل نسبت از تصویب آن مال باقی باقی بود، ثبات حق دارند باقیمانده را بداند



(در ارباب تصریحات هست)

مجلس ششم (۹۵/۸/۱۰) نمود



انواع شرکتهای تجاری

\* این شرکتها بصورت تصاعفی تأسیس میشوند و باید سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیون ریال باشد و حداقل ۵۰ سهامدار داشته باشند.

\* این شرکتها بصورت طلبه‌ایان پرداخت می‌شود و ۵۰ میلیون از جیب طلبه‌ها می‌آید. شرکت‌های سهامی / شرکت‌های مسئولیت محدود

\* بعضی از شرکتها محدود و بعضی نامحدودند. اگر قرض‌گزاران در شرکت تصاعفی بخواهند در شرکتها شرکت کنند باید در صورت تصاعفی شرکت کنند.

شرکت‌های عمومی: فقط در مورد شرکت‌های تصاعفی این اتفاق خواهد افتاد.

حصه = سهم‌الشرکه

شرکت‌های خصوصی: شرکت‌هایی که بیش از ۵۰٪ آن در دست بخش خصوصی باشد.  
شرکت‌های دولتی: شرکت‌هایی که بیش از ۵۰٪ آن در دست دولت باشد.

انواع شرکتها:

شرکت‌های تصاعفی: مهم‌ترین دینی این شرکتها این است که اگر بخواهند بین آن سهامداران باشد افراد باید همدستان از جیب خودشان بدهی را پرداخت کنند.

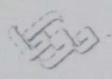
مسئولیت تضامنی : ۵ سربک داریم که ۱۵ لقر ۳، ۲۰ میلیون و ۲ لقر ۱، ۱ میلیون گذاشته و  
 کلاً ۱۰ میلیون بجا می دارند فرض کنید شرکت ۱۰ میلیون بدهی  
 دارد اول باید آن ۱۰ میلیون را بردارد و در نهایت ۴ میلیون  
 بقی مانده بین ۵ نفر تقسیم مساوی می شود. اگر تقسیم بر  
 این میزان بجا می گذاریم بود، می شد شرکت تسبی

مسئولیت تضامنی در حقیقت مسئولیت مدنی است که کاربرد دارد. ضمنی های حکم با فردی  
 گشته حکم به یک اندازه مسئولیت دارند.

حکم ابتدایم ۹۵ / ۱ / ۱۷

تلاش مطالب حکم پیش

حکم شانزدهم ۹۵ / ۱ / ۲۲



نظریات سرمایه‌های تجاری دوم قسمت سرمایه‌های تجاری

در صورت گذشتن کت را با سرمایه‌های اشخاص پیش بردیم. سرمایه‌های اشخاص را تقسیم سرمایه‌های  
عفتند که افراد در آن هم هستند.

سرمایه‌های سرمایه معنور اشخاص هم نبود و گونه نقل و انتقال سهام بود که اهمیت داشت  
و برای نقل و انتقال سهام محدودیت وجود داشت سرمایه

سرمایه‌های سهامی سرمایه است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت سهامداران محدود  
است به سهامی که در آن سرمایه معنور دارد. اگر کسی بیامیلیون سهام داشته باشد، این  
۱۰۰ میلیون تقسیم می‌شود به قطعات مثلاً ۱۰۰۰ تومان.

از تعداد مسئولیت محدود هستند. محدودیت آنها مبلغ اسمی شان است. تعداد اعضا حداقل  
۳ نفر (در سهام خاص ۱ و حداقل ۵ نفر) است اما محدودیتی برای تعداد  
سنگ وجود ندارد. در سهام خاص حداقل تعداد کمی خرد منطبق است.

تفاوت سرمایه سهامی عام و خاص این است که: سهامی عام - و نسبتاً از سرمایه سرمایه با  
مواجهه به مردم تامین می‌شود. مثلاً سرمایه با ۱ میلیارد سرمایه تامین می‌شود یک مقداری  
از آن را خودشان دارند و باقی را از مردم تامین می‌کنند اما سهامی خاص همایش از اولین  
تامین می‌شود.

در ایران اگر کسی قوانین را نقض کند یا برای نقدی دارد یا زندان، اما در انحصار سهام  
امری آن مربوط به بازار است - مردم خودشان تقسیم می‌گیرند با سرمایه‌ها می‌کنند  
اگر در انحصار سهامی مستقل از سرمایه نبود باید افزایش شود - مقصد می‌شود

انحصار و امکان اصل محور - آمریکا و ایران جامعه محور

گرام کجتر است P

(عنوان نهاد)



سربلای عام سربلای است که بخشی از سربلای توسط برسیان و کسی توسط محرم حکیم می شود. استقلال  
 شخصیت دارد اما استقلال شخصی آن با معنای های اخص از این لحاظ متفاوت است که در سربلای های  
 اخص و جزئی یا جزئی هر مسئله به پیش آورد سربلای در خطر می افتد اما در سربلای های سهامی عام این طور  
 نیست. پس کیفیت حقوق خدی و وابسته به شرکت نیست در سربلای های سهامی عام این برای  
 سرمایه گذار خدی جذاب تر است

نام سربلای، اقامتگاه و تابعیت سربلای های سهامی عام مشخص است درست مثل اخص حقوقی.  
 نام سربلای هر چیزی می تواند باشد. مثلا سربلای آذربایجان خدی! فقط باید نوع آن ذکر شود یعنی مثلا  
 سربلای سهامی عام یا اخص آذربایجان.

اقامتگاه سربلای مرکز اصلی اطره آن سربلای است. مثلا اگر در رمضان فعالیت می کند اما اطره اش  
 در تهران است باید به تهران مراجعه کند.

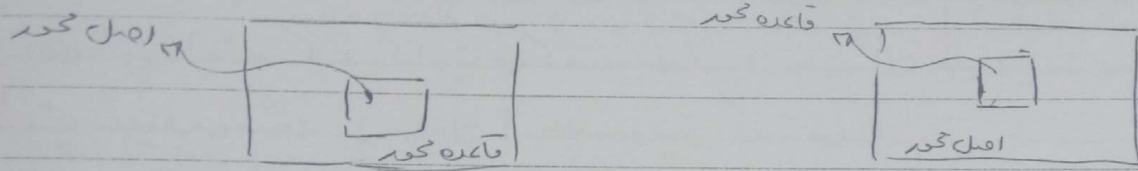
تابعیت سربلای هم بسته به سربلای سربلای در هر کشور متفاوت است. جمع کردن می تواند تابعیت سربلای  
 را تغییر دهد. سربلای سرمایه گذار در سرمایه سربلای های سهامی عام حداقل سه خوار تومان و سهامی  
 اخص حداقل ۱۰ خوار تومان است. (چون قوانین قدیمی اند)

سربلای ممکن است رهنه های متفاوتی داشته باشد. این رهنه های سربلای، شخصیت حقوقی  
 مستقل دارند یا وابسته؟ وابسته است چون اگر قرار بود مستقل باشند چه هو کدام سربلای  
 حساب می کردند.

فعالیت سربلای هر چیزی می تواند باشد. اگر فعالیت نیازمند اخذ مجوز باشد باید از وزارت خانه  
 مربوطه آن را بگیرد. هر چیزی نسبت حقا فعالیت تجاری باشد (برخلاف سربلای اخص)  
 فعالیت سربلای های سهامی و بازرقابی محسوب می شود حتی اگر فعالیت آن بازرقابی نباشد (ماهر و قانون تجارت)  
 مثلا شما می توانید سربلای کلی بزنید. این سربلای بازرقابی محسوب می شود و تابع قانون تجارت

مراحل تبدیل سربلای سهامی بحدیه تراز سربلای اخص است چون سربلای سهامی عام و اخص حقوق  
 می کند آنها را حداقل می آوریم

۱-۵  
از سرلیت خواهد تأسیس شود، باید اعمالی انجام شود تا تأسیس توسط موسسین انجام  
فرستود (ایده کار از آنجاست که مسئولیت مدنی و مجازات کیفری دارند)



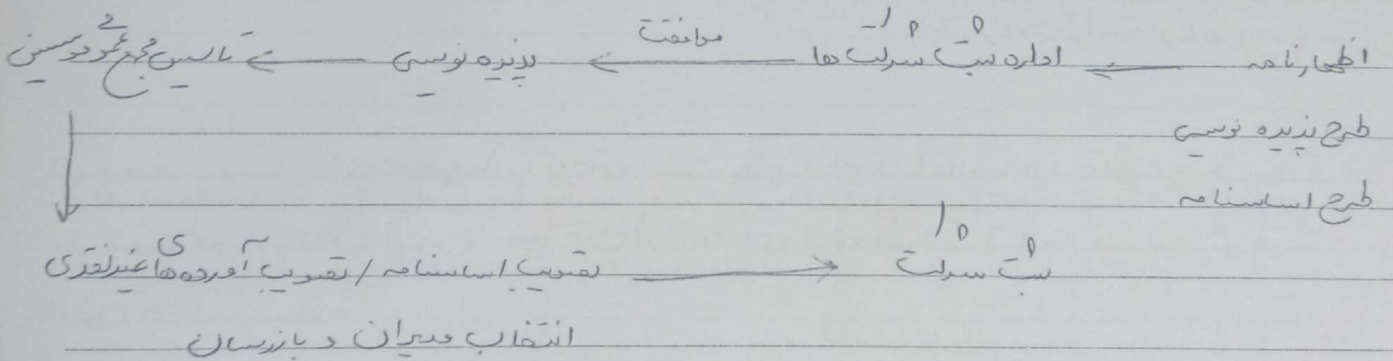
آمریکا

انطسنان

کشورهای rule base (مطابق سیستم)

کشورهای principle

۱-۲  
مراحل تأسیس سرلیت تکمالی عام:



۹۵ / ۹ / ۱۳۳۰  
میان ترم



۱۰- سرکاره سرت های سهامی با هم متفاوتند از آن مقدار صراحتی سرت های سهامی  
حکم ۴۰٪ را باید موسسین به سرت بیاورند. بخشی که از مردم تعیین می شود  
بمی تواند بیش از ۸۰٪ باشد.

این ۴۰٪ را هم بناری نسبت همایش را تقاضا می آورند ۳۵٪ را از ۳٪ نقدی بیاورند  
و باقی آن را نقد کنند کفایت می کند بعد از باز شدن حساب مقدمات تأسیس  
سرت شروع می شود. (حوادث را جلسه پیش گفته بود)

۱۰- تسهیل سرت سهامی عام آثاری دارد که مهم ترین اثرش تولد شخصیت خصوصی است

۱۰- تسهیل سرت زبانی است که در ایران و بازار ایران انجام می شوند ولی سرت زبانی است که  
تخصیصات به اداره سرت ها خراب شده می شود.  
(اطهار نام در امتحان نمی آید)

۱۰- در مورد سرت های سهامی عام بورسی - و وقتی کواخند اعلامیه پذیرش نویسی صادر کنند  
باید بیوند مجوز سازمان بورس هم قبل از اجاره ای اداره سرت ها بگیرند - استناد  
قانون کالات.

۱۰- در پذیرش نویسی باید در جلد ثبت نام کنند. تسلیس و تسلیف کنند. (موسسین این کار را می کنند)

هم روزنامه ای می کنند و هم آن بانکی که پول ها را جمع آوری می کند مردم که عراوه می کنند هر  
کس هر چقدر می خواهد سرتا کند ۳۵٪ را واریز می کند و باقی را نقد می کند و ورقه  
نقد سهم را می ببرد

۱۰- اگر پذیرش نویسی شد ولی مبلغ صورت سرت جور نشد چه؟



۱- موسسین حکم بنیاد نویسی را به اطلاع سبب اعلام می کنند آن وقت اطلاع به اعضای که پول گذاشتند برده می دهد که پولشان را سپردند و سبب تشکیل بنیاد شود.

۲- سرمایه سبب را به آن اندازه که بنیاد نویسی شده کاهش بدهند.

اگر بنیاد نویسی صحیح انجام شود و مبلغ تعیین شود، موسسین اجازه بنیاد نویسی را اعلام می کنند و تعداد سهم هر بنیاد نویسی را اعلام می کنند.

نقطه در باره آورده های اشخاص: آیا بنیاد نویسان هم می توانند آورده های غیر نقدی به سبب داشته باشند یا خیر؟

خیر چون در قانون پیش بینی نشده و پولی که آنها می آورند باید نقدی باشد.

نقطه دوم اینست که در سبب های تفاهات اینهم تقویم آورده های غیر نقدی صرفاً با رضایت شرکاء است. اما در سبب های سهامی رضایت شرکاء کافی نیست و نظر کارشناس رسمی دادگستری هم مهم است.

تفاوت بین سبب های اشخاص و سهامی

نوع سوم : نظام تقسیم میری تقسیم آورده های غیر نقدی ، آن کسی به آورده می

غیر نقدی آورده است در تقسیم میری سرایت نمی کند .

الرجوع عمدی بر سر سرایت و همه کارها انجام شد اما سرایت تسلیل نشود چه می شود ؟

در 7 ماه پس از اظهارنامه ای که به اداره ی ثبت داده اند ، سرایت ثبت نشود  
سرایت تسلیل نشده محسوب می شود .

درصدی چهارم حجات لیزی هم دارند موسسین که 2 خط و به دروغ بیره نویسی تمام تصرف  
کنند حجات دارند و به همین یا حجات هدی محترم می شوند .

تمام وظائف بنده نویسی به عهده موسسین است و بلا خلاف مدت یک ماه انجام شود  
و لا یقین افراد می توانند پولشان را پس بگیرند و بلویند ماده این سرایت مسایلت  
نمی کنیم .



جلسه از ساعت ۱۱ تا ۱۲:۳۰ بود.

درباره تسلیل سلبت های سهامی صحبت کردیم.

امروز درباره ارکان سلبت های سهامی صحبت مواهم کردیم. هر سلبت سهامی ۳ رأی اصلی دارد.

- ۱- مجمع عمومی
- ۲- هیئت مدیره
- ۳- بزرگ بزرگان
- بسیار نظریات
- این امر این
- این نظراتی
- قاعده نماز

سلبت ها ۳ یا ۴ نوع مجمع عمومی دارند:

- ۱- مجمع عمومی موسسین که در حلب قبل صحبت کردیم
- ۲- مجمع عمومی عادی
- ۳- مجمع عمومی حقوق العاده
- (۴) مجمع عمومی عادی که بعضی اوقات لغو است حقوق العاده می تواند می شود.

در مورد مجمع چند مطالب مطرح هست:

نصاب تسلیل جلسه مجمع عمومی: این نصاب در مورد هر کدام از مجامع متفاوت است.

مجمع عمومی موسس بر اساس ماده ۷۵ لایحه اصلاحی، حلب اول آن، نصاب حداقل نصف سرمایه تسلیل می شود (بزرگ بزرگان و موسسان)

اگر این نصاب نرسد، حلب دوم را تسلیل می دهند یا یک سرمایه سلبت و اگر این حلب هم تسلیل نشد، حلب سوم را با نصاب جمع یا یک سرمایه تسلیل می دهند.

مجمع عمومی عادی، حداقل نصف سهام دارای حق رای حلب اول را تسلیل می دهند. اگر نصاب حقوق نشد، هر عده از سهام دارای حق رای هستند (بر اساس ماده ۸۷)

و

جمع عمومی فوق العاده هم مطابق با نصاب سهام برای حق رای تسلی می دهند و اگر تسلی ۱۰٪ سهام حق رای تسلی می دهند

کتاب دوم مصلحت جماع هست عینی در مورد چه چیزهایی تقسیم گیری می کنند  
مجمع عمومی موسس در حل و نه کفایت امر از پذیره نویسی تقویت طرح اساسنامه  
شرکت و یا تنبیه آن / تقویت آورده های ضد نقد / انتخاب اولین مدیران و بازرسان  
طبق ماده ۷۶ قانون

مجمع عمومی فوق العاده : تنبیه اساسنامه / تغییر سرمایه شرکت / انحلال شرکت  
قبل از موعد ( ماده ۸۳ )

\* نکته سوال : دو مورد از مصلحت های هر یک از مجامع ...

مجمع عمومی عادی : مصلحت این مجمع عام است هر موردی که در مصلحت  
مجمع عمومی موسس و فوق العاده نباشد و برای اداره شرکت لازم است ، به مجمع  
عمومی عادی می رسد .

تقویت تواننامه / تقسیم سود و زیان / انتخاب مدیران و بازرسان ، اعضای هیئت مدیره و ...

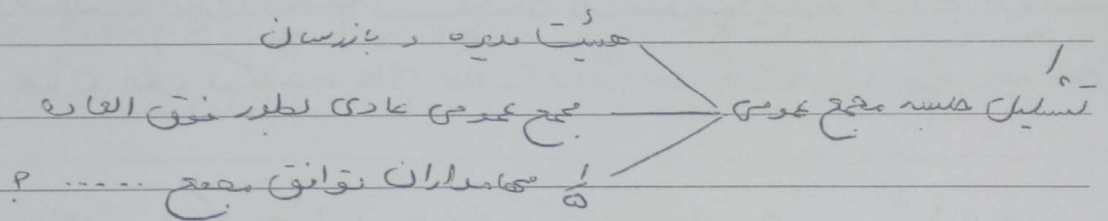


نصاب رای گیری در جلسه :

مجمع عمومی موسس : ۲ قاعده هست ؛ هر سهامدار رای دارد . سهام ممتاز برابریم .  
تصویبات به رای  $\frac{2}{3}$  حاضران در جلسه انجام می شود

مجمع عمومی فوق العاده :  $\frac{3}{4}$  آرای حاضران در جلسه تصویبات اتفاق می افتد .

مجمع عمومی جاری : اکثریت نصاب + اعضاء و انطباق مدیران و بازرسان (اکثریت نسبی)



هیئت سه اکثر از بین سهامداران تسهیل شود و هیئت مدیره و هیئت سه  
مخاهد بود .

بر اساس ماده ۱۰۶ قانون تجارت چند مورد باید به اداره ثبت شرکت ها گزارش شود :

- ۱- انطباق مدیران و بازرسان
  - ۲- تغییرات ترازا
  - ۳- کاهش یا افزایش سرمایه یا هر دو
  - ۴- اعلان شرکت و نحوه تسهیل آن
- تغییرات اساسنامه



۹۵/۹/۲۹

### جلسه بنیاد و نسیم

۱۰  
۵  
هیئت مدیره شرکت ها :

۱۸  
۲  
شرکت های سهامی از طرف هیئت مدیره ای انتخاب خواهد شد (عام و خاص) که در شرکت های  
سهامی خاص حداقل ۳ نفر و عام ۵ نفر که در ماده ۱۸۱ قانون تجارت به آن اشاره شده است.

۹  
۱۰  
۱۰  
هیئت مدیره فقط رئیس از بین اعضا انتخاب می شود. رئیس نمی تواند همزمان مدیر عامل هم باشد  
شود چه اضافی می افتد؟ مجمع عمومی باید فوراً تشکیل دهد و آن چند روزست بقیه  
را جایگزین کند.

۹  
۳  
۹  
هیئت مدیره فقط رئیس از بین اعضا انتخاب می شود. رئیس نمی تواند همزمان مدیر عامل هم باشد  
کمیسیون ۳ نفر یا بیشتر آورده باشد.  
نقش هیئت مدیره نسبت گذری شرکت است. حال اگر بیلت گذار و مجری یک نفر باشند  
تبعات برای دارد همچنین دلیل در کسور های مختلف، دو طرفه رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل  
منع شده.

۹  
۲  
رئیس هیئت مدیره وظایفی دارد که مختصاً فقط است و وظیفه همگی نسبت همین  
وظایف نسبت گذری به عهده هم است. فقط رئیس  
رئیس از جمیع مختلف دعوت می کند و...

۹  
۹  
نائب رئیس هیئت مدیره فقط جایگزین است که اگر رئیس نتواند حضور پیدا کند  
باید کند.

۹  
۱۰  
رئیس باید سهام دار باشد. مدیر عامل نیازی نیست که سهام دار شرکت باشد.

۹  
۱  
۸  
۵  
۹  
۱۰  
شخص عمومی می تواند عضو هیئت مدیره باشد. فرض کنید سرلی هیئت است که دولت  
عضو سهام دار آن هستند. مثلاً اعضای آن می شود آقای A و B و سرلی C



این نمایندگی از نظر مسئولیت های عدلی و جزایی ، نمایندگی شخص حقوقی مانند سایر اعضاست  
یعنی اگر تصمیم استعفا<sup>۴</sup> گرفته شود یا مجازات شوند ، نمایندگی شخص حقوقی مجازات نمی شود<sup>۴</sup>.

یکی دیگر از شرایط عضویت در هیئت مدیره این است که سهام خرید در طول هیئت مدیرگی نه

موقوف باشد ! یعنی نمی تواند آن را خرید و فروش کند .

دو ویژگی دیگری این است که کسانی هستند که نمی توانند در هیئت مدیره باشند : ( ماده ۱۱۱ قانون )

- ۱۵ - محمودیان و ورثه ایشان ( اشخاص و شخصان ذنا بالنان )
- کسانی که متقلب باشند خصوصاً ( رفقت ، ضیاء درامانت دزدی دین ) شده است .

علاوه بر ضوابط عنوان کارآبادی ها اینها هم دیگری را هم منع کرده ایم :

- ۱۴۱ قانون اساسی می گوید رئیس جمهور و معاونان و وزراء نمی توانند در هیئت مدیره شرکت های خصوصی شوند
- + کارمندان

۱۴ قانون تصدق پس از یک سال ( کارمندان دولت نمی توانند عضو هیئت مدیره شرکت های خصوصی شوند )

در حقوق و وظائف و زری مدیر

مدیر موظف و مدیر غیرموظف یک وجهی است. مدیر غیرموظف در مقول کارکن آمده است اما تعریفی از آن ارائه نشده است. تعریف حقوقی مدیر موظف در کشورای ضربه این است که مدیری است که مستخدم سرت هم باشد. (سپس حقوق می گیرد)

مدیر غیرموظف هم مدیری است که رابطه او با سرت آنها عضویت در هیئت مدیره است.

در کشورهای دیگر برای جلوگیری از توسعه شدن، اکثریت اعضای هیئت مدیره باید غیرموظف باشند.

برای آن حقوق اعضای غیرموظف توسط مجمع عمومی تعیین می شود و حق طلب هم می گیرند.

حیثیت مدیره اختیاراتی دارد:

• انتخاب اسامی به برخی هیئت ها (انتخاب رئیس هیئت مدیره و نائب رئیس و ...)

• اتخاذ تصمیمات لازم برای اداره سرت (دعوت از جماع، ارائه گزارشات، ارائه صورت های مالی به مجمع عمومی)

• اختیارات متفرقه (تعیین حق الذمه مدیر عامل)



معاملات اعمالی هیئت  
 - هیئت مدیره  
 معاملات که در قانون مطلق اعلام شده  
 معاملات که مجاز است مطلق شود

در معاملات سهامی که هیئت مدیره را میتوان در این مورد مشخص می نماید معاملات با انجام دهد. قانون گذار می گوید چون مجاز است چیزی دارد شود بین معاملات با محدود می گنم معاملات با مطلق است یا در این صورت کیان ای دارد.  
 معاملات مطلق در ماده ۱۳۲ قانون تجارت آمده است که عبارتست از هرگونه تمسین نام اعتبار و غیره در بین اگر مدیر عاملی نام بگیرد مطلق است.

هر معامله ای که غیر از بالای مجاز است مطلق شود. برای تمسین معامله چندین نفرند اند. در قدم اول باید اجازه هیئت مدیره باشد. در قدم دوم اگر هیئت مدیره به این من در قدم سوم هم تقصیر گیری مجمع عمومی در مورد معاملات.

هیئت مدیره اجازه معامله را می دهد. مجمع عمومی هم اجازه می دهد (صحیح و نادر)  
 با قدم اول و سوم  
 چند حالت اتفاق می افتد  
 می دهد  
 نمی دهد  
 نمی دهد  
 نمی دهد  
 نمی دهد  
 نمی دهد  
 نمی دهد  
 نمی دهد  
 نمی دهد

غرض کنیز آقای الف عضو هیئت مدیره شرکت تجاری است و می خواهد معامله ای با هیئت انجام دهد پس باید این اقدام ها را انجام دهد و گزارش دهد به هیئت مدیره هر تصمیمی که هیئت مدیره بگیرد مجمع عمومی هم تصمیم دارد نام می شود.

۱- غیر نامزد به شرط مشارکت است. اگر حسابرسی وارد کند، شخص الف یا اعضای هیئت مدیره مسئولند در مقابل سهامداران



~~عشق است که در دل می آید~~

سبط اجازه هست مدینه سرخ است که سرت را در مقابل اسباب نالت متعهد می کند  
سبط اجازه مجمع عمومی سرخ است که اسباب طرفین معامله را در مقابل ساید اسباب  
درون سرت متعهد می کند یعنی اگر اجازه دهد سرت نیست به ساحتی معامله ان یا بخلو با کند

عشق سرت کی ماحوسین تمام می شود؟

وقتی که استغنا بدید یا غزل سود یا هست مدینه غزلش کند یا کی عواصین که سبت از آن نصیب  
دین محصور باشد یا سرت کرده باشد یا ...

